

وصیت نامه شیخ الرئیس بوعلی سینا



شیخ ابوعلی سینا را نسبت به ابوسعید ابوالخیر ارادت‌ی تام بود و بین این دو مکاتباتی بوده است؛ از جمله شیخ وصیت نامه‌ی خود را برای ابوسعید ابوالخیر نوشت و فرستاد.

متن وصیت‌نامه به زبان عربی است. اما در اینجا ترجمه‌ی آن به فارسی درج می‌شود.

آغاز هر فکر و انتهای هر اندیشه باید خدای باشد. باطن و ظاهر هر شیئی که مورد اعتبار و عبرت او قرار گرفت، باید او را به خدایتعالی توجه دهد و از نظر کردن به خدای چشم را از پلیدی و آلودگی رهایی بخشد. با قدم نفس که به حال قیام در مقام حضور بر پای ایستاده باید عالم ارواح مجرد را سیر نماید و با عقل و خرد خویش آنچه را که از آثار و عظمت مقام ربوبی در آن به اسرار نهفته است، مشاهده کند.

هنگامی که از آن مقام منیع تنزل نمود و به موقف و مقر خود فرود آمد، معبود یکتای خویش را به بیان و لسان خود تسبیح کند و کمال و صلاح را بعینه در آثار او مشاهده کند.

جمال شاهد ازلی را جز بیدیه‌ی بصیرت نتوان دید و به کوی او جز با پیر خرد گذر نتوان کرد. ذات کبریایی او قابل ادراک و ابصار نیست. فروغ او است که در باطن و ظاهر و اشیا جلوه‌گر است. برای اینکه هر فردی را به کمال مطلوب خویش رساند. از هر موجودی پرتو نور او ساطع است و در هر ذره از ذرات این نشانه موجود که اوست. خدای یگانه که هستی هر هستی به هستی اوست.

هنگامی که براین حالت تسلط یافت و آن را برای خود علی‌الادوام حفظ نمود آن وقت است که صورت عالم علوی در آینه‌ی وجودش منعکس شده و انوار جمال الهی در آن راه می‌یابد. در همین موقع است که با مراتب عالم ربوبی آشنا شده و از لذتی بهره‌مند می‌شود که در دسترس دیگران نیست، و از وجود خویش آن بهره را می‌برد، که در خود او و سزاوار آن بوده است.

تزلزل خاطر از او نور سکون و آرامش جایگزین آن گردد. مقام امنی واجد اضطراب تشویق از او برطرف گردد، حقیقت پست عالم دنیوی براو مکتشف و از کیفیت آن به خوبی آگاه گردد و آگاهی او آنچنان خواهد بود که براهل آن رقت آرد و از خدای برآنان طلب غفران کند. در نتیجه خدعه و مکر دنیا را ناچیز و متاع و حکام دنیوی را پست و حقیر شمارد. بیاد خود آرد که متذکر خدای گردد. همیشه از آن ذکر در نشاط و پیوسته از حلاوتش در سرور است. بالأخره کار دنیا و اهل آن او را به تعجب کشاند؛ همانطوری که اهل دنیا از مردی که اهل آخرت باشد در تعجب هستند و باید بدانند.

نماز بهترین حرکات است، زیرا در این حرکات طی مراتب کمال میسر است. روزه بهترین سکانات است، زیرا درین سکون رنگ سکون و آلودگی‌های نفس زدوده می‌شود. صدقه بهترین خیرات است، زیرا به سبب آن مصائب و بلاها دور و برطرف می‌گردد و بالأخره باید بدانند پاکیزه‌ترین مسالك تحمل بر شدائد و سختی‌ها و بیهوده‌ترین کارها، ظاهرسازی و ریاکاری است.

تا موقعی که نفس به مختصر شیئی تغییر حال یافته و دگرگون می‌گردد و تا وقتی که توجهش به حدود الفاظ و در پی نزاع قیل و قال است، هرگز از آلودگی‌ها و پلیدی‌ها خلاص نگشته و پاک نمی‌گردد.

آن علمی که عاری از فساد و با نیتی پاک توأم باشد، بهترین عمل است. حکمت و دانش اساس و مایه‌ی برتری انسان است از غیر و در تحصیل دانش معرفت الهی بر همه مقدم است؛ زیرا شرافت هر علمی بسته به موضوع آن است. "کلمات حق و گفتار پاکیزه به سوی خدای متعال بالا می‌رود، آن را خدای متعال" (یا عملی خالی از خلل و عاری از فساد) رفعت می‌دهد.

باری به همین کیفیت از لفظ دروغ و عاری از حقیقت اعتراض نموده و در مخیله‌ی خویش هم حتی مجال ورود به آن نمی‌دهد، تا برای نفس این صداقت حالتی ثابت گشته و ملکه گردد.

در نتیجه خواب‌هایش راست شده و آنچه در عالم رؤیا مشاهده کند واقعیت خواهد داشت.

در خصوص مشتبهات نفس، یعنی آنچه مورد التذاد نفس است و از آنها لذت می‌برد، باید استعمال آنها صرفاً برای روبراه آوردن مزاج و نگاه داشتن وجود شخص و بقای نوع باشد.

نسبت به مشروب (خمر) باید شرب و نوشیدن آن را قطع کند؛ هرچند برای دفع مرض، معالجه یا درک لذت باشد.

با هرکسی مطابق باخوی او و حسن سلوکش رفتار نماید. در حدود امکان و به قدر استطاعت مالی خویش بذل و بخشش کند.

برای یاری مردم اکثراً آماده است و در آنچه خلاف طبع و میل اوست آنها را یاری می‌کند. در مورد امور شرعی کوتاهی نمی‌کند. رعایت احکام الهی را نموده و آنها را بزرگ می‌شمارد. اعضا و جوارح خویش را به انجام تکالیف واجبه وامی‌دارد. خدای متعال عمل به این شریعت را برای بندگان خود مقرر فرموده است و به آنان افعالی که تحت اصول مذهب اسلام انجام می‌گیرد، حکم می‌کند. خدای متعال دوست و دوستدار و والی آن اشخاصی است که آیین مقدس اسلام را پذیرفته و ایمان آورده‌اند و چون ما بحال و دل آن را قبول نموده و گردن نهاده‌ایم. پس خدای متعال ما را بس و برغیر او هم نظر نخواهیم داشت. چه بسیار خوب است آن کسی که ما امور خود را

بدوسپرده‌ایم.

منبع:

زندگی ابوعلی سینا ، مظفر سربازی ، شرکت توسعه کتابخانه های ایران، تهران، چاپ هشتم تابستان 1375